



آیت‌الله سیدمحمد موسوی یجنوردی

## درباره جاسوسی و خیانت به کشور

آنچه امروزه تحت عنوان جاسوسی و خیانت به کشور مورد بحث قرار می‌گیرد و به عنوان جرم و علیه امنیت خارجی کشور شناخته می‌شود در تاریخ سابقه‌های بسیار طولانی دارد. در عین حال، از نظر تاریخی شاید نتوان مبدا مشخص و روشنی برای پیدایش جرایمی از قبیل جاسوسی و خیانت به کشور یافت. اما از آن‌جا که تحقق جرم، نیاز به موضوع دارد و تحقق هر جرمی بدون موضوع بی‌مورد است، موضوع تحقق جرم جاسوسی و خیانت به کشور، دولت و حاکمیت یک کشور است. بنابراین می‌توان گفت از زمانی که دولت‌ها، هر چند در شکل‌های بسیار ابتدایی و ساده خود به وجود آمدند و با مرزبندی و تعیین حدود و ثغور، یا به عرصه وجود گذاشتند، ارتکاب جرایمی از قبیل جاسوسی و خیانت به کشور نیز قابل تصور است. بعضی از علمای حقوق در تفکیک جرم جاسوسی و خیانت به کشور دچار اشکال شده‌اند و اظهار کرده‌اند که در حال حاضر، تفکیک جرایم فوق عملی نیست و عده‌ای نیز میز اساسی این دو جرم را تابعیت و ملیت مرتکب قرار داده‌اند. به عنوان نمونه، در کشور فرانسه، ملاک تشخیص جرم جاسوسی از جرم خیانت به کشور از نظر قانونگذار فرانسوی، بر پایه ملیت استوار است؛ به این معنا که اگر یک فرد خارجی اقدام به تجسس و جمع‌آوری اطلاعات و اسناد مخفی درباره امور نظامی و تشکیلات حمله یا دفاع یا اوضاع سیاسی یا اقتصادی مملکت کند، با قصد این که اطلاعات و اسناد را در مقابل پول یا بلاعوض در اختیار دولت دیگر قرار دهد، به این فرد خارجی "جاسوس" گفته می‌شود، ولی اگر یکی از افراد فرانسوی، اعم از نظامی یا غیرنظامی مرتکب این قبیل اعمال شود، خائن به کشور محسوب خواهد شد (شامبیانی، ۱۳۷۶ ج ۳: ۱۰۲).

برخی از متون قانونی کشورهای اروپایی نیز فرق اصلی جرم جاسوسی و خیانت به کشور را تابعیت مرتکب می‌دانند؛ یعنی اگر مرتکب جرم، از اتباع کشوری باشد که جرم بر ضد آن کشور وقوع یافته

است، عمل ارتكابی او خیانت به کشور محسوب می‌شود و در صورتی که مرتکب، خارجی باشد، عمل او جاسوسی خواهد بود.

از سوی دیگر، قانونگذاران و محاکم نیز معیار مناسبی برای تمایز جرایم "جاسوسی" و "خیانت به کشور" مشخص نکرده‌اند و تفصیل و جدایی این جرایم هیچ‌گاه به طور قاطع صورت نگرفته است، به طوری که گاهی عمل واحد هم جاسوسی و هم خیانت محسوب می‌شود.

بنا بر اصل تفکیک میان معنا و مفهوم خیانت و جاسوسی در فقه، بدون ملاحظه جنبه‌های کاربردی آن در صحنه سیاست و حکومت جاسوس لزوماً باید کافر حربی باشد والا مسلمان و کافر ذمی اگر مرتکب عمل مشابهی شود، خائن محسوب می‌شود و در نظام اسلامی در شرایط کنونی، کافر یا مسلمان بودن چندان دخالتی در این موضوع ندارد و عملاً تابعیت سیاسی تعیین‌کننده است (زینلی: ۲۴۴).

البته گروهی از علما نیز میان جاسوسی و خیانت تفکیک و تمایزی قائل نشده‌اند و با خلط میان این دو مفهوم، جرم جاسوسی را هم توسط مسلمان و کافر ذمی و هم توسط کافر حربی، قابل ارتکاب دانسته‌اند (اشراق، ۱۳۶۸: ۳۶۲). اما به نظر می‌رسد بین دو جرم جاسوسی و خیانت به کشور، رابطه عموم و خصوص من‌وجه برقرار باشد زیرا در برخی از مصادیق جاسوسی، خیانت هم صدق می‌کند یعنی بعضی از جاسوسی‌ها، خیانت به کشور نیز هستند. مثل این که جاسوس، ایرانی باشد که با فعل جاسوسی، مرتکب خیانت هم شده است. به این ترتیب عمل واحدی دارای دو عنوان است و از مصادیق تعدد معنوی است. حتی برخی از مصادیق جرم جاسوسی هم که توسط کافر ذمی و کافر مستامن انجام گیرند، از مصادیق تعدد معنوی هستند و خیانت هم بر آن‌ها صادق است زیرا این گونه افراد با انعقاد قرارداد ذمه یا عقد امان، متعهد می‌شوند بر خلاف مصالح کشوری که در آن ساکن هستند، عمل نکنند و در صورت انجام جاسوسی، خیانتکار نیز

محسوب می‌شوند.

از سوی دیگر، در برخی از مصادیق، تنها جاسوسی یا خیانت صدق می‌کند، مانند این که خیانت به کشور از مصادیقی باشد که طبعاً مشتمل بر عمل جاسوسی نیست، مثل این که شخص ایرانی خود را بر ضد کشور مسلح نماید یا جاسوسی به وسیله شخص خارجی انجام شود که مستامن و مامور به خدمت جمهوری اسلامی ایران نباشد؛ در این‌جا فقط جرم جاسوسی صادق است.

به هر حال، تمیز جرم جاسوسی از خیانت به کشور دارای اهمیت بسزایی است. برای آشنایی بیشتر با دو مفهوم جاسوسی و خیانت به کشور، در دو بحث جداگانه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم و در نهایت رابطه آن‌ها را با جرم سیاسی تبیین می‌کنیم.

### جاسوسی

جرم سیاسی در متون حقوق جزا و تحلیل‌های حقوق کیفری، تحت عناوین مختلفی مورد بحث قرار گرفته است. به عنوان مثال، در حقوق جزای عمومی، هنگام بررسی رکن معنوی و روانی جرم، در اغلب موارد جاسوسی در زمره جرایم سیاسی قرار گرفته است. در حقوق جزای اختصاصی، از آن به عنوان جرم عمومی که مضر به هیأت اجتماع است یاد شده است؛ همچنین می‌توان آن را از دیدگاه حقوق اسلامی تحت عنوان جرم حق‌اللهی بررسی کرد.

این منظور در لسان‌العرب برای واژه جاسوسی که اصل آن از "جس" است معنای مختلفی آورده است؛ از جمله آن که "جس" به معنای لمس نمودن چیزی، جستجوی خبر و تفتیش از باطن امور است. در ادامه مطلب آمده: "جاسوس، همان عین است که درباره اخبار جاسوسی می‌کند" (۱۴۱۲، ج ۲: ۲۸۳).

در قرآن کریم به جاسوس به معنی جستجوکننده به این شرح اشاره شده است: "... بعثنا علیکم عبادا لنا ... فجاسوا لخالل الدیار" (اسرا: ۵). یعنی گروهی از بندگان خویش را بر شما فرستادیم تا در میان شما به جستجو بپردازند. مفسران در تفسیر این آیه نوشته‌اند:

دیار سرزمین قوم اسرائیل است که به وسیله بخت‌النصر و ماموران او مورد جستجو قرار گرفت. به علاوه در زمینه طرق کسب اخبار در صدر اسلام، صاحب‌نظران به مفاهیم تقیب و عریف اشاره کرده‌اند چنان که راغب اصفهانی در مفردات و ابن منظور نیز در لسان‌العرب ذیل عناوین و اصطلاحات تقیب و عریف می‌نویسند: تقیب به کسی اطلاق می‌شود که در بی‌مراقبتی از اوضاع و احوال و فعالیت‌های قوم خویش است و جمع آن تقیبا است. عریف به کسی گفته می‌شود که ناظر و شاهد اوضاع و احوال و امور قبیله یا گروهی از مردم است و کارها و اوضاع و احوال قوم خود را به حاکم و فرمانروا اطلاع می‌دهد و جمع آن نیز عرفا می‌باشد (ولیدی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۱۰۲).

در مورد تعریف جاسوسی، فقهای عظام تعریفی ارائه نکرده‌اند، ممکن است این امر به سبب روشن بودن معنای جاسوسی از دیدگاه آنان باشد، علاوه بر این در ابواب فقهی نیز بایستی با به این بحث اختصاص ندهاده‌اند و در موارد مختلف به طور پراکنده و گذرا از جاسوسی سخن به میان آورده‌اند. در کتب فقهی برای این عنوان غالباً از تعبیر عین و عیون استفاده شده است. قانونگذار نیز در هیچ یک از نصوص قانونی، جرم جاسوسی را تعریف نکرده و تنها در برخی از مواد قانونی به کلمه جاسوس و جرایم مرتبط با آن اشاره کرده است. با توجه به این نقص قانونی، حقوقدانان در صدد تعریف جاسوس و جاسوسی برآمده‌اند و تعریفی ارائه کرده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: جاسوس به شخصی گفته می‌شود که تحت عناوین غیرواقعی و مخفیانه به نفع خصم در صدد تحصیل اطلاعات یا اشیایی باشد (گلدریان، ۱۳۶۹، ج ۱: ۳۴۶).

در تعریف دیگری آمده است: از نظر حقوق بین‌الملل عمومی، جاسوس به کسی اطلاق می‌شود که محرمانه یا تحت عنوان‌های نادرست و جعلی به نفع خصم در صدد تحصیل اطلاعاتی از نقشه و قوای طرف و مقاصد او بر آید (جعفری لنگرودی، ۱۸۹).

همچنین نوشته‌اند: جاسوسی عبارت است از جمع‌آوری و تملک اطلاعات و تعلیمات اسناد قابل استفاده یک کشور خارجی بر ضد امنیت کشور خارجی دیگر... (گارو، بی‌تا، ج ۳: ۶۹۴).

و در تعریفی دیگر: جاسوسی در اصطلاح حقوقی، عبارت از تجسس و گردآوری اطلاعات و اسناد مخفی و طبقه‌بندی شده درباره امور نظامی یا کسب اطلاع از اوضاع و احوال سیاسی یا اقتصادی مملکت به قصد دادن آن‌ها به دولت خارجی در مقابل پول یا هر نوع پاداش با اجرت یا بی‌اجرت است.

**جاسوسی مشروع و نامشروع از دیدگاه اسلام**

گروهی از حقوقدانان عقیده دارند جاسوسی تنها در زمان جنگ نامشروع است و مستوجب مجازات می‌باشد اما جاسوسی در زمان صلح مجازات ندارد.

زیرا مرتکب آن قصد خدمت به کشور متبوعش را دارد: مجازات کردن جاسوس در زمان جنگ مورد اختلاف نیست و کلیه قوانین، آن را قبول کرده‌اند ولی نسبت به مجازات آن در زمان صلح از نظر عدالت و از نظر ضرورت تردید شده و می‌گویند هر فردی مکلف است اطلاعات کافی و مفیدی که از اوضاع کشورهای دیگر به دست می‌آورد، در اختیار مملکت متبوع خود قرار بدهد و این اقدامات همیشه جنبه جاسوسی به منظور دفاع یا حمله ندارد (گارو، بی‌تا: ۷۱۳).

در حقوق اسلام نیز جاسوسی همیشه عملی نامشروع و جاسوس همه جا سزاوار مجازات نیست، بلکه جاسوسی ممکن است به دو صورت مشروع و نامشروع صورت گیرد که برای روشن شدن مطلب به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

#### ۱. جاسوسی مشروع از دیدگاه اسلام

جاسوسی در دو مورد مشروع و جایز دانسته شده است: الف. جاسوسی به منظور کسب اطلاعات و مراقبت از کارگزاران و ماموران: آنچه عقل و شرع به آن حکم می‌کند، مراقبت از اعمال کارگزاران حکومتی است و پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) برای تحقق آن، افرادی را تعیین می‌کردند، زیرا نفس انسان همواره او را به بدی فرمان می‌دهد و چه بسا ماموری به خطا رود. بنابراین، مراقبت و تجسس از مدیران و مسئولان حکومتی و گماردن ماموران مخفی برای زیر نظر گرفتن اعمال و کردار آنان، امری ضروری است.

در این باره روایتی از ریان بن صلت نقل شده است که گفت: شنیدم حضرت رضا (ع) می‌فرمود: رسول خدا (ص) هرگاه لشکری را به ماموریت می‌فرستاد، بر آن‌ها فرماندهای می‌گماشت و با آن فرمانده عده‌ای امنا و افراد مورد اعتماد خویش را اعزام می‌نمود تا آن حضرت را از اوضاع و اخبار مطلع سازند (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۱: ۴۴).

همچنین در عهدنامه مشهور امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر، حضرت پس از ذکر اوصاف کارگزاران دولتی می‌فرماید: ... سپس مراقب کردار کارگزاران باش و جاسوسان و بازرسان مخفی که راستگو و وفادارند، بر آن‌ها بگمار، زیرا اگر به صورت پنهانی پیگیر کارهای آن‌ها باشی، سبب می‌شود که ایشان امانت را رعایت کرده و با زبردستان به رفق و ملائمت رفتار کنند و اگر یکی از کارگزاران خائن و نادرست شد و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تایید کرد، به گواهی آنان اکتفا کن و او را به مجازات رسان و در میان مردم از شان و قدرت او بگناه و وی را خوار گردان و به خیانت متمایز ساز... (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

بنابراین بر حاکم اسلامی واجب است برای کنترل و اصلاح امور، جاسوسانی را بر ماموران و کارگزاران حکومتی بگمارد تا وی را از اوضاع و احوال و خدمت یا خیانت آنان مطلع سازد.

ب. جاسوسی علیه دشمنان و مخالفان حکومت: با ملاحظه آیات قرآنی و سیره معصومین (ع) درمی‌یابیم این امر از دیدگاه اسلام مورد تأکید قرار گرفته و یکی از ابزار و وسایل دفاع از کیان اسلام و شکست دشمن به شمار می‌رود. تجسس در امور دشمنان و کسب اطلاعات از مواضع آنان تنها به زمان جنگ اختصاص ندارد، هر چند این امر در زمان جنگ دارای اهمیت بیشتری است.

تاریخ نشان می‌دهد که پیامبر (ص) و امیرالمومنین (ع) در جنگ‌ها برای تحقیق و بررسی وضع دشمن، از جاسوسانی ورزیده استفاده می‌کردند. به عنوان نمونه درباره جنگ احد در کتب تاریخی آمده است: چون قریش فرود آمدند... پیامبر (ص)، حباب بن منذر بن جموح را مخفیانه برای کسب خبر و ارزیابی دشمن میان ایشان فرستاد و به او امر فرمود: چون برگشتی، نزد هیچ یک از مسلمانان به من گزارش نده، مگر این که بگویی دشمن را اندک دیده‌ای. حباب برگشت و در خلوت به پیامبر (ص) گزارش داد. پیامبر (ص) فرمودند: چه دیدی؟ گفت: ای رسول خدا عددشان را سه هزار تخمین زدم، ممکن است اندکی کم یا بیش باشند، دو بیست اسب همراه دارند و حدود هفتصد نفر زره‌دار، پیامبر (ص) فرمود: به من هم همین اخبار رسیده است از ایشان چیزی بازگو نکن، خدای ما را بسنده و بهترین وکیل است (واقعی مغازی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۵۱).

تجسس در امور دشمنان و لزوم آمادگی کامل در مقابل آنان در زمان صلح نیز امری ضروری است. از این رو حکومت اسلامی باید از تمام امکانات خویش برای به دست آوردن اطلاعات لازم استفاده کند تا بتواند به حیات خود ادامه دهد و امنیت مردم مسلمان را تأمین کند.

این امر در سیره پیامبر اکرم (ص) به وضوح دیده می‌شود. ایشان در زمان صلح نیز به جمع‌آوری اطلاعات از دشمن اهمیت می‌دادند. در این‌جا به نمونه‌ای از عملکرد آن حضرت اشاره می‌کنیم: پیامبر (ص)، عبدالله بن جحش را به همراه هشت تن از مهاجران به ماموریتی برای جمع‌آوری اطلاعات فرستاد. آن حضرت نامه‌ای به عبدالله داد و به او فرمان داد پیش از طی مسیر دو روزه نامه را باز نکنند و نتوانند پس از آن نامه را بخوانند و طبق فرمان عمل کند. عبدالله پس از آن که دو روز طی طریق نمود، نامه را گشود و آن را خواند. در آن نامه نوشته شده بود که چون نامه را خواندی، در نخله میان مکه و طائف فرود آی و قریش را تحت نظر بگیر و ما را از اخبار و وضعیت آنان مطلع ساز (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲: ۲۵۲) واقعی مغازی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۰).

امام خمینی (ره) نیز در خصوص جواز جاسوسی از دشمنان، به منظور حفظ کیان اسلام و نفوس مسلمین می‌فرماید: ... اسلام را همه باید حفظ بکنیم...

واجب است بر همه ما، بر همه شما که اگر توطئه‌ای دیدید و اگر رفت و آمد مشکوکی را دیدید، خودتان توجه کنید و اطلاع بدهید.

احکام اسلام برای مصلحت مسلمین است، برای مصلحت اسلام است، اگر ما اسلام را در خطر دیدیم، همه‌مان باید از بین برویم تا حفظش کنیم. اگر دماء مسلمین را در خطر دیدیم، دیدیم یک دسته دارند توطئه می‌کنند بریزند که یک جمعیت بی‌گناهی را بکشند، بر همه ما واجب است که جاسوسی کنیم... حفظ جان مسلمانان بالاتر از سایر چیزهاست، حفظ خود اسلام از جان مسلمین هم بالاتر است...

این حرف‌های احمقانه‌ای است که از همین گروه‌ها آلاء می‌شود که خوب، جاسوسی که خوب نیست! جاسوسی، جاسوسی فاسد خوب نیست، اما برای حفظ اسلام و حفظ نفوس مسلمین واجب است... (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۱۱۶-۱۱۵).

بنابراین از آن‌جا که طبیعت دشمن و عداوت و کینه‌توزی او به طور دائمی سرزمین و کشور اسلامی را در معرض تهدید قرار می‌دهد، شایسته نیست حتی لحظه‌ای از توطئه‌های آنان غفلت کنیم، بلکه باید با کسب اطلاع از مقاصد شوم آنان از هر طریقی، همواره با آمادگی کامل در صدد خنثی نمودن توطئه‌های آنان برآیم.

۲. جاسوسی نامشروع از دیدگاه اسلام  
قانونگذار اسلام در دو مورد جاسوسی را جایز ندانسته و ضمن مذمت مرتکبان آن، برای آن مجازات تعیین کرده است:

الف. تجسس در اسرار خصوصی مردم: اسلام برای امنیت مردم در زندگی خصوصی‌شان اهمیت بسزایی قائل است و برای تأمین این امر مهم، با تجسس در امور شخصی و مسائل پنهانی زندگی افراد به مبارزه برخاسته، زیرا اگر تجسس در زندگی خصوصی افراد آزاد شود، آبروی مردم با افشای اسرار آنان بر باد می‌رود و امنیت و جامعه باقی نمی‌ماند. قرآن کریم نیز با صراحت تمام، تجسس در زندگی خصوصی مردم را منع نموده و می‌فرماید: "یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم و لاتجسسوا و لایغتب بعضکم بعضا" (حجرات: ۱۲). ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است و هرگز [در کار دیگران] تجسس نکنید و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند.

آیه فوق به روشنی حرمت تجسس در امور شخصی دیگران را بیان می‌کند تا مردم در زندگی خصوصی خود از هر نظر در امنیت باشند.

در این باره روایات بسیاری نیز نقل شده است. از آن جمله روایتی است که کلینی به سند خود از اسحاق بن عمار نقل می‌کند که وی گفت: از جعفر بن محمد، امام

صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود: رسول اکرم (ص) خطاب به گروهی از مسلمانان چنین فرمود: ای جمعیتی که با زبان اسلام آورده‌اید، اما ایمان خالص در دل و جان شما رسوخ نکرده است، مسلمانان را مذمت نکنید و در پی کشف معایب آن‌ها نباشید، زیرا کسی که در صدد کشف و افشای عیب‌های مخفی مردم برآید و عرض و آبروی آن‌ها را مورد تجاوز قرار دهد، خدا عیوب پنهانی او را بر ملا خواهد ساخت و کسی که خلأوند پرده از روی معایب پوشیده و زشتی‌های پشت پرده وی بردارد، رسوا و مفتضح خواهد شد، ولو در میان خانه (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۲۵۴).

علاوه بر روایت فوق، اخبار دیگری نیز در این باره نقل شده که مفاد همه آن‌ها موکد پوشاندن اسرار مسلمانان و خطاهای فردی و خانوادگی آن‌ها و مذمت افشای اسرار شخصی آنان از طریق تفتیش، تجسس و... است.

ب. جاسوسی به نفع اجانب و دشمنان: رساندن اطلاعات و اخبار به دشمنان اسلام و کشور اسلامی، به ضرورت عقل و دلالت برخی از آیات قرآن و روایات معصومین (ع) حرام و خیانت به خدا و پیامبر (ص) و مومنین است. بر اساس مفاد برخی از آیات شریفه قرآن، این عمل خیانت به امانت بزرگ الهی نیز شمرده شده و قطعا چنین عملی از گناهان بزرگ است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: "یا ایها الرسول لایحزنک الذین یسارعون فی الکفر من الذین قالوا امانا باقواهم و لم تومن قلوبهم و من الذین هادوا سماعون للکذب سماعون لقوم آخرین" (مائده: ۴۱). ای رسول خدایم که با زبان می‌گویند ایمان آوردیم و قلب آن‌ها ایمان نیاورده و در مسیر کفر بر یکدیگر سبقت می‌جویند، تو را اندوهگین نکنند و همچنین از یهودیان، آن‌ها زیاد به سخنان تو گوش می‌دهند تا دستاویزی برای تکذیب تو بیابند و ایشان جاسوسان جمعیت دیگری هستند که خود آن‌ها نزد تو نیامده‌اند.

مفسران شیعه و سنی در تفاسیر خود "سماعون لقوم آخرین" را جاسوسان دشمن و جاسوسان بنی‌قریظه معنا کرده‌اند و علاوه بر این، درباره شان نزول آیه فوق دو احتمال را ذکر کرده‌اند که هر دو احتمال از مصادیق جاسوسی به نفع دشمنان اسلام است (زمخشری، بی‌تا، ج ۲: ۲۱۴-۲۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۱۲۵-۱۲۴؛ طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۹: ۶۹-۶۸).

با توجه به آیه فوق، در می‌یابیم جاسوسی به نفع دشمن، یکی از جرایم و گناهانی است که در قرآن مورد توجه قرار گرفته و حکم به حرمت و عدم مشروعیت آن شده است.

در روایات نیز به مجازات جاسوس اشاره شده است. قریب به اتفاق روایات، حکم به قتل جاسوس کرده‌اند: "... الجاسوس و العین اذا ظفر بهما قتلا" (نوری

طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۱: ۹۸)؛ جاسوس و خیرچین را هنگامی که دستگیر شوند، به قتل رسانید.

در تاریخ نیز آمده است که امام مجتبی (ع) دو تن از جاسوسان معاویه را به قتل رساند (آل یاسین، ۱۳۴۸: ۱۱۰) و از امام صادق (ع) هم روایت شده که مجازات جاسوس، قتل است (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۱: ۹۸).

بنابر آنچه گفته شد، این نتیجه به دست می‌آید که از دیدگاه اسلام، امر تجسس و تفتیش از جمله مسائل حساسی است که در برخی موارد، انجام آن حرام موکد و در مواردی هم واجب است.

### خیانت به کشور

خیانت به کشور یکی از مصادیق جرایم علیه امنیت خارجی کشور است که در زمان‌های قدیم، قلمرو آن بسیار وسیع بود و مرتکب آن، با مجازات‌های بسیار شدیدی مواجه می‌شد. حتی در برخی موارد، اصل شخصی بودن جرایم و مجازات‌ها مراعات نمی‌شد و بستگان مجرم نیز به مجازات محکوم می‌شدند. جرم خیانت به کشور در قانون تعریف نشده، اما در یک بیان عام می‌توان همه جرایمی را که هدف آن، ایراد صدمه به یکی از اجزای کشور باشد تحت عنوان خیانت به کشور مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

در کتاب‌های لغت معانی متفاوتی برای واژه خیانت برشمرده شده؛ یکی از این معانی، "پیمان‌شکنی، نقض عهد و بی‌وفایی" است (عسید، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۰۶۴) و برخی محققان، از آن به عدم رعایت امانت تعبیر کرده‌اند. در همین مورد در کتاب معجم مقاییس اللغة چنین آمده است: "یقال خانه یخونه خونا و ذلک نقصان الوفاء" (ابن فارس، ۱۴۱۱، ج ۲: ۲۲۱)؛ یعنی یکی از معانی "خانه... وفا نکردن و نقض در وفای به عهد است. با توجه به معنای لغوی خیانت، می‌توان نتیجه گرفت که مصادیق مختلف جرم خیانت به کشور، مشمول یکی از معانی بی‌وفایی یا نقض عهد یا تجاوز به حق می‌شود، زیرا هر شخصی با ارتکاب اعمالی از قبیل مساعدت به دشمن و مصادیق دیگر جرایم خیانت به کشور، بی‌وفایی و پیمان‌شکنی نموده و به حق مملکت و کشور تجاوز کرده است و با انجام این قبیل اعمال، خائن به وطن محسوب می‌شود. قانونگذار جمهوری اسلامی ایران، جرم خیانت به کشور را تعریف نکرده، بلکه به ذکر مصادیق متعدد این جرم بسنده کرده است. به هر حال در تعریف خیانت به کشور می‌توان گفت: خیانت به کشور عبارت است از سوء قصد بر ضد امنیت کشور به وسیله ایجاد ارتباط با کشور دیگری که دارای سلطه و استقلال است (گارو، بی‌تا: ۶۹۷).

با توجه به قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران می‌توان گفت: خیانت به کشور، فعل عمدی یک فرد ایرانی یا خارجی در خدمت دولت ایران است که منافع یک قدرت بیگانه را در زمان صلح یا جنگ به زیان

مملکت تامین و امنیت کشور را به مخاطره می‌اندازد (گلوزیان، ۱۳۶۹، ج ۱: ۳۲۸).

در تعریف دیگری آمده: ارتکاب عمل منافی با امنیت داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران از سوی هر شخص ایرانی یا خارجی مأمور به خدمت در ایران، به قصد اضرار به امنیت کشور و نفع کشور دیگر، خیانت به کشور محسوب می‌شود (ساریخانی، ۱۳۷۸: ۳۷).

### حرمت خیانت به کشور

در قرآن کریم ضمن آیات متعدد، به خیانت پرداخته شده است. شان نزول برخی آیات از مصادیق بارز خیانت به سرزمین و امت و حاکمیت اسلامی است که از ارکان تشکیل دهنده کشور هستند. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: "یا ایها الذین آمنوا لاتخونوا الله و الرسول و تخونوا اماناتکم و انتم تعلمون" (انفال: ۲۷). در ابتدای آیه شریفه، خداوند خطاب به مومنان می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبر خیانت نکنید. خیانت به خدا و پیامبر آن است که اسرار نظامی مسلمانان را در اختیار دیگران بگذارید یا دشمنان را در مبارزه و نبرد تقویت کنید یا به هر نحو، آسیبی به کشور اسلامی وارد آورید. بنابراین خیانت، ضد امانت است. امانت، معمولا به امانت‌های مالی اطلاق می‌شود، ولی در منطق قرآن مفهوم وسیعی دارد که تمام شئون زندگی اجتماعی، سیاسی و اخلاقی را دربرمی‌گیرد. آب و خاک کشور اسلامی نیز در دست مسلمانان، امانت الهی محسوب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۱۳۷-۱۳۶).

آیه فوق به صراحت، بر حرمت خیانت به سرزمین و کشور اسلامی دلالت دارد و خداوند متعال در آیه بعد به مسلمانان هشدار می‌دهد که مواظب باشند علاقه به امور مادی و منافع زودگذر شخصی، پرده بر چشم و گوش آن‌ها نیفتد و مرتکب خیانت‌هایی که سرنوشت جامعه را به خطر می‌افکند، نشوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۱۳۸).

روایات بسیاری نیز از ائمه اطهار (ع) در حرمت خیانت و مذمت خائنین وارد شده است. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: کسی که امانت الهی را خوار شمارد و دست به خیانت آلوده کند، خود و دین خود را پاک نساخته و درهای خواری را در دنیا به روی خود گشوده و در قیامت خوارتر و رسواتر خواهد بود و همانا بزرگ‌ترین خیانت، خیانت به ملت و رسواترین دغل‌کاری، دغل‌بازی با امامان است (نهج البلاغه، نامه ۵۰۸: ۲۶).

به هر حال در جایی که خیانت به کشور موجب استیلای کفار و بیگانگان بر سرزمین اسلامی شود، بر اساس قاعده نفی سبیل می‌توان قائل به حرمت عمل کسانی شد که مقدمات تسلط بیگانگان را بر سرزمین اسلامی فراهم می‌کنند.

تاریخ اسلام از بدو پایه‌گذاری و تشکیل حکومت اسلامی به دست رسول اکرم (ص)، همواره شاهد پیمان‌شکنی و خیانت‌های منافقان و گروه‌های سست عنصر در طی ادوار مختلف بوده است. نمونه‌های بارز این خیانت‌ها و پیمان‌شکنی‌ها در زمان حکومت پیامبر اسلام (ص) و همچنین در زمان خلافت امام علی (ع) و امام حسن (ع) دیده می‌شود.

پیامبر اکرم (ص) پس از هجرت به مدینه و پایه‌گذاری حکومت اسلامی در آن سامان، با کسانی که در پناه کشور اسلامی زندگی می‌کردند، پیمان‌هایی منعقد نمود. یکی از بزرگ‌ترین قراردادهای تاریخی، پیمانی است که حضرت محمد (ص) با یهودیان ساکن مدینه منعقد فرمود که بر اساس برخی بندهای آن، یهودیان متعهد شده بودند علاوه بر عدم تعرض و تجاوز نسبت به مسلمین و کشور اسلامی، در هنگام جنگ نیز سهمی از مخارج جنگ را بپردازند. این گروه نه تنها به تعهدات خود عمل نکردند، بلکه همواره مترصد موقعیتی بودند تا از هر طریق و با هر وسیله‌ای به حکومت نوپای اسلام ضربه وارد کنند. از جمله آن که پس از جنگ احد، یهودیان قبیله بنی‌نضیر که در پناه حکومت اسلامی زندگی می‌کردند، در صدد ایجاد ناامنی و شورش در مدینه برآمدند و تصمیم به قتل رسول اکرم (ص) گرفتند. البته این توطئه و خیانت با آگاهی پیامبر از موضوع به وسیله فرشته وحی خنثی شد، اما آنان از این طریق پیمان خود را نقض و خیانت خود را به نسبت به کشور اسلامی عملی کردند (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱: ۵۰۴-۵۰۳).

نمونه‌های دیگری از این پیمان‌شکنی‌ها و خیانت‌ها در تاریخ حکومت چند ساله امام علی (ع) و امام حسن (ع) نیز دیده می‌شود که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، می‌توان به خیانت‌های قاسطین و مارقین و ناکثین در زمان خلافت امام علی (ع) اشاره کرد.

### بررسی تطبیقی جاسوسی و خیانت به کشور با جرم سیاسی

پس از بررسی جرم خیانت به کشور و جاسوسی در فقه جزایی اسلام، این سوال مطرح می‌شود که با توجه به تعاریف ارائه شده از جرم سیاسی، آیا این جرایم در زمره جرایم سیاسی قرار می‌گیرند یا خیر؟ در پاسخ به این پرسش، آرا و نظریات متفاوتی از سوی حقوقدانان و محققان ارائه شده است و هر کدام نیز برای اثبات سیاسی یا عادی بودن این جرایم، ادله‌ای بیان کرده‌اند.

کسانی که جاسوسی و خیانت به کشور را در زمره جرایم سیاسی می‌دانند، به طور عمده به دو دلیل اشاره می‌کنند. عمده‌ترین دلیل برای سیاسی بودن جاسوسی و خیانت به کشور از دیدگاه این گروه صلت تعریف جرم سیاسی بر جاسوسی و خیانت به کشور است، زیرا از عناصر تعریف جرم سیاسی، مقابله با

نظام حاکم و دولت است و مجرمان سیاسی با اهداف سیاسی دست به چنین اقداماتی می‌زنند و این موضوع در اقدامات جاسوس و خائن نیز به وضوح قابل مشاهده است، علاوه بر این، این جرایم نیز خود از ماهیتی سیاسی برخوردار هستند.

دلیل دیگری که به آن استناد کرده‌اند، آن است که باید ملاحظه نمود آثار زیانبار جاسوسی و خیانت به کشور، متوجه چه کسی است؟ کسانی که قائل به سیاسی بودن جرایم فوق هستند، صدمه و زیان را متوجه دولت و نظام حاکم می‌دانند و همین امر را دلیلی برای سیاسی تلقی کردن جاسوسی و خیانت قرار می‌دهند.

اما هر دو دلیل فوق، قابل مناقشه است. تعریف جرم سیاسی از سوی حقوقدانان از جنجال‌برانگیزترین مسائل جرم سیاسی است، تا جایی که گاه حقوقدانان در دو طرف نقیض واقع شده‌اند؛ یعنی عده‌ای امکان تعریف جرم سیاسی را به طور کامل نفی و عده‌ای به طور مسلم اثبات کرده‌اند و همان‌گونه که قبلا اشاره شد، در تعاریف ارائه شده غالباً مفاهیمی مبهم، مجمل و فاقد ارزش حقوقی اخذ شده است. این در حالی است که با توجه به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها که امری قطعی و استثناء‌ناپذیر است، تا زمانی که قانون مبادرت به بیان اصل جرم یا نوع جرایم نکرده باشد، جرم دانستن هر عملی ممنوع و فاقد اعتبار قانونی است.

از سوی دیگر، اشکال اساسی این دیدگاه، عدم تفکیک بین کشور و دولت است، زیرا امروزه ثابت شده است کشور و دولت دو مقوله ممتاز از یکدیگرند و در بسیاری موارد، مبارزه با دولت، مبارزه با کشور تلقی نمی‌شود و بالعکس، مبارزه با کشور را نمی‌توان لزوما مبارزه با دولت تلقی نمود. به نظر می‌رسد صدمه وارد در جرایم جاسوسی و خیانت به کشور و همچنین سایر جرایم علیه امنیت خارجی کشور، متوجه کشور است و نه دولت.

جاسوسی و خیانت به کشور از مصادیق جرایم عادی و عمومی هستند و قرار دادن آن‌ها در زمره جرایم سیاسی، بی‌دلیل است. در این جا ادله مورد استناد خویش در مورد عادی بودن جرم جاسوسی و خیانت به کشور را ارائه می‌کنیم:

دلیل اول: مبنای اصلی این استدلال، تفکیک مفاهیمی چون دولت و حکومت از وطن، سرزمین و کشور است. در گذشته، تفکیک این گونه مفاهیم مشکل بود و در حقیقت تصور می‌شد حفظ و حراست از کشور، با حفظ و حراست از دولت و حکومت ملازمه دارد. به طوری که اصولا حکام و دولت‌ها خود را حافظ کشور و وطن قلمداد می‌کردند. بنابراین، خیانت و حمله به یکی از آن‌ها، خیانت علیه دیگری محسوب می‌شد ولی امروزه این استلزام از بین رفته و شاید کمتر کسی قائل به ارتباط ضروری بین این عناوین باشد.

امروزه در جهان شاهدیم حکومت‌هایی از انواع مختلف تغییر می‌کنند، اما اصل وطن و کشور به جای خود باقی است. بنابراین، باید بین جرایم علیه دولت و کشور قائل به جدایی بود؛ به عبارت بهتر، باید بین جرایم علیه امنیت داخلی و جرایم علیه امنیت خارجی کشور تفکیک قائل شویم. چون جاسوسی و خیانت به کشور، مقابله با کشور و وطن محسوب می‌شود و در زمره جرایم علیه امنیت خارجی کشور جای می‌گیرد، پس جرم سیاسی نیست، اما جاسوسان و خائنان در صدد مقابله با وطن و کشور هستند، در صورتی که جرایم علیه امنیت داخلی کشور می‌تواند در زمره جرایم سیاسی قرار گیرد.

دلیل دوم: با توجه به تعریفی که برای جرم سیاسی ارائه کرده‌ایم و همین طور معیارها و ضوابط تشخیص جرایم سیاسی، می‌توان استدلال کرد جاسوسی و خیانت به کشور از جرایم عادی هستند و این استدلال مبتنی بر استناد به دو فقره از فقرات تعریف جرم سیاسی است:

۱. همان‌طور که مفهوم دولت را از کشور تفکیک کردیم، تعریف جرم سیاسی نیز بر جرم مقابله با دولت صادق است؛ نه بر مبارزه با وطن، از این رو باید بین جرایم علیه امنیت داخلی و جرایم علیه امنیت خارجی کشور، تفکیک قائل شویم.

۲. با توجه به تعریف جرم سیاسی، مجرمان سیاسی از اهداف مقدس و انسانی برخوردارند و از هر گونه منفعت طلبی شخصی به دور هستند. این رویه در قطعنامه مصوب کنفرانس وحدت حقوق جزای ۱۹۳۵ که در کپنهاک برگزار شد نیز مشاهده می‌شود. به موجب این قطعنامه: "جرایمی که مرتکب آن هدف خودخواهانه و حقارت‌آمیز داشته باشد، سیاسی تلقی نمی‌شود" (هاشمی، ج ۲: ۵۵۳).

بر این اساس، می‌توان گفت تعریف جرم سیاسی بر بزه جاسوسی و خیانت صادق نیست، چون مرتکبان این جرایم با انگیزه‌های متفاوتی اقدام به جاسوسی و خیانت می‌کنند که هیچ یک از آن‌ها با اهداف و آرمان‌های والای مجرمان سیاسی مطابقت ندارد. مرتکبان این جرایم غالباً با انگیزه‌های مالی و از روی حرص و آز یا به قصد انتقام‌گیری دست به ارتکاب این جرایم می‌زنند و در برخی موارد نیز انگیزه‌های این مجرمان به دلایل عقیدتی و ایدئولوژیک و یا مسائل روانی و شخصیتی بازمی‌گردد (میرمحمد صادقی، ۱۳۷۸، ش ۱۸: ۵۴-۵۲) که همواره مورد مذمت و تقبیح افکار عمومی است و به هیچ وجه با اهداف انسان‌دوستانه مجرمان سیاسی همخوانی ندارد.

بر این اساس است که مجامع بین‌المللی و قانونگذاران کشورهای مختلف، در اغلب موارد پس از تعریف جرم سیاسی و برشمردن مصادیق آن، جاسوسی و خیانت به کشور را به صراحت از زمره

جرایم سیاسی خارج کرده‌اند. این رویه در لوایح ارائه شده از سوی مراجع ذیربط در ایران نیز اتخاذ شده است.

دلیل سوم: اصل و غلبه با جرایم عادی است و جرایم سیاسی از موارد استثنایی جرایم و خلاف اصل هستند. از این رو در موارد مشکوک باید جرم را عادی دانست. به عبارت دیگر، در مواردی که سیاسی بودن جرمی، قطعی و بر اساس نص قانون باشد، آن جرم سیاسی است، اما در مواردی که نص خاص و تصریحی بر سیاسی بودن نداشته باشیم و جرم مورد شک باشد، این جرم به جرایم عادی ملحق می‌شود. در این جا نیز ما هیچ نص قانونی بر سیاسی بودن خیانت و جاسوسی نداریم. بنابراین، این جرایم ملحق به جرایم عادی خواهند بود. دلیل چهارم: این دلیل تحت عنوان فلسفه ارفاق‌آمیز بودن جرم سیاسی، قابل طرح و بررسی است. سوالی که در این جا قابل طرح می‌شود، آن است که به چه دلیلی باید مجرم سیاسی از ارفاق‌هایی که قبلاً ذکر شد، برخوردار باشد، در حالی که اصولاً وسعت صدمات در جرایم سیاسی بیش از جرایم عادی است؟

پاسخی که می‌توان در جواب سوال فوق داد، این است که مجرم سیاسی برای دفاع از حق (ولو به شکل جهل مرکب و سوء ادراک) و با آرمان‌های انسانی و انگیزه‌های شرافتمندانه، مرتکب اعمالی می‌شود. این اقدام ماهیتاً با عمل خائن یا جاسوسی که با تسلیم قسمتی از وطن یا تسلیم اطلاعات محرمانه کشور خود، عملاً لطمات جبران‌ناپذیری را متوجه کشور و وطن خود می‌سازد، فرق دارد. بنابراین علت و فلسفه ارفاق در جرم سیاسی، درباره جاسوسی و خیانت صادق نیست.

علاوه بر ادله فوق، به نظر می‌رسد برخی از نمایندگان بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جرایم علیه امنیت خارجی را جرم سیاسی نمی‌دانسته‌اند. به عنوان مثال، در پاسخ این اظهار نظر که: "علنی بودن محاکمات سیاسی گاهی به ضرر مملکت است؛ مثلاً ممکن است شخصی یکی از اسرار مملکت را برای یک کشور خارجی آشکار کند، در این صورت اگر محاکمه او علنی باشد، بیشتر به ضرر مملکت تمام می‌شود،" نایب رئیس مجلس چنین پاسخ می‌دهد: "این جرم سیاسی نیست و جنایی است" (مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۸۱-۱۳۸۰: ۶۱).

البته ممکن است برخی وجوه فوق از جهاتی قابل مناقشه باشند، اما مجموعه ادله ارائه شده به خوبی اثبات می‌کند جرایم جاسوسی و خیانت به کشور و سایر جرایم علیه امنیت خارجی کشور، از زمره جرایم سیاسی نیستند و ارفاق‌های روا داشته شده در جرم سیاسی، درباره آن‌ها قابل اعمال نیست.

پانوش

۱. ماده ۴ پیش‌نویس پیشنهادی لایحه قانونی جرایم سیاسی و نحوه رسیدگی به آن، تهیه شده توسط معاونت حقوقی و امور مجلس وزارت دادگستری؛ ماده ۴ لایحه جرایم سیاسی، تهیه شده توسط قوه قضائیه مورخ ۱۳۷۸/۵/۱۲؛ ماده ۳ پیش‌نویس پیشنهادی لایحه قانونی تعریف جرم سیاسی و نحوه رسیدگی به آن در محاکم دادگستری، تهیه شده توسط کمیسیون حقوق بشر اسلامی؛ ماده ۳ مصوبه مجلس شورای اسلامی، به نقل از: (منتظری، ۱۳۸۰: ۲۷-۱۹).

منابع

آل یاسین، راضی: صلح امام حسن (ع)، ترجمه حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، موسسه انتشارات آسیا، ۱۳۴۸ش.

ابن فارس، ابی‌حسین احمدبن فارس: معجم مقاییس اللغة، بیروت دارالاجیل، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.

ابن منظور، محمدبن مکرّم: (۱۴۱۲ق)، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.

ابن هشام، ابومحمد عبدالملک: السیره النبویه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

اشراق، محمدکریم: تاریخ جنگ و مقررات آن در اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۶۸ش.

امام خمینی، روح‌الله: صحیفه امام (مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، (۱۳۷۸).

جعفری لنگرودی، محمدجعفر: ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۲ش.

حر عاملی، محمدبن الحسن (۱۴۱۲ق). وسائل الشیعه‌الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ ششم، زمخشری، محمود: الکشاف، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.

زینلی، محمدرضا: جرم سیاسی و حقوق جزای اسلامی ساریختانی، عادل: جاسوسی و خیانت به کشور، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.

شامبیانی، هوشنگ: حقوق کیفری اختصاصی، تهران، انتشارات زوین، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.

طباطبایی، سیدمحمد حسین: تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۴۷.

عمید، حسن: فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۷۴ش.

کلینی، محمدبن یعقوب: اصول کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ چهارم، ۱۳۶۵.

گارو، روزه: مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ترجمه سیدضیاءالدین نقابت، تهران، انتشارات ابن سینا، بی تا.

گلوزیان، ایرج: حقوق جزای اختصاصی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۶۹ش.

مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۳، جلسه ۶۱.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران: تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ هفدهم، ۱۳۷۸.

منتظری، محمدجعفر: جرم سیاسی. ناشر: مولف، ۱۳۸۰.

میرمحمد صادقی، حسین: "جرم جاسوسی"، ماهنامه دادرسی، سال سوم، شماره ۱۸، ۱۳۷۸ش.

نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی.

نوری طبرسی، میرزا حسین: مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، موسسه آل‌البیت، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.

واقفی‌مقاری، محمدبن عمر: تاریخ جنگ‌های پیامبر (ص)، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۴۶ش.

ولیدی، محمدصالح: حقوق جزای اختصاصی، تهران، دفتر نشر داد، چاپ دوم، ۱۳۷۳ش.

هاشمی، سیدمحمد: حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران.